

شاخص‌ها و ملاک‌های پذیرش بی‌قید و شرط در مشاوره و روان‌درمانی از دیدگاه اسلام

هاجر باختری ابراهیم سرایی^{۱*} رضوان سادات اسلامی بهروزی^۲

چکیده

زمینه و هدف: پذیرش بی‌قید و شرط مفهومی بنیادین در روابط انسانی، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون مشاوره و روان‌درمانی است که به معنای پذیرش فرد بدون پیش‌داوری و شرط‌گذاری است. با توجه به اهمیت این مفهوم در تقویت همبستگی اجتماعی و رفع نیازهای انسانی، این پژوهش با هدف تبیین مبانی پذیرش بی‌قید و شرط در پرتو آموزه‌های قرآنی و روایی انجام شده است.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر کیفی است و داده‌ها از طریق مطالعه و تحلیل متون دینی شامل آیات قرآن کریم و روایات معتبر گردآوری شده است. در ادامه، محتوای به‌دست‌آمده با دقت بررسی و تفسیر گردیده تا مبانی و مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش استخراج شود.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که مبانی پذیرش بی‌قید و شرط در سه دسته کلی‌نگرشی (مانند نیت خالص و باور به کرامت ذاتی انسان)، رفتاری (همچون صداقت، انصاف و پرهیز از قضاوت) و ارتباطی (از جمله گوش دادن فعال و احترام متقابل) قابل‌طبقه‌بندی هستند.

نتیجه‌گیری: پذیرش بی‌قید و شرط در آموزه‌های اسلامی نه تنها یک اصل اخلاقی، بلکه ابزاری برای توسعه پایدار، تقویت سرمایه اجتماعی و گسترش روابط انسانی سالم محسوب می‌شود. این پژوهش با ارائه چارچوبی تحلیلی، زمینه را برای بهره‌گیری مؤثرتر از این مفهوم در حوزه‌های اجتماعی و مشاوره‌ای فراهم می‌سازد.

کلمات کلیدی: آیات، پذیرش بی‌قید و شرط، روایات.

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده رفاه، تهران، ایران bakhtary110@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد، گروه مشاوره خانواده، دانشکده رفاه، تهران، ایران eslamirezvaneh@gmail.com

مقدمه

پذیرش بی‌قید و شرط (Unconditional Acceptance) از مفاهیم بنیادین در روان‌شناسی و فلسفه است و به معنای پذیرش کامل فرد یا وضعیت بدون هیچ‌گونه شرط‌گذاری یا داوری تعریف می‌شود. این اصل در حوزه مشاوره و روان‌درمانی، به‌ویژه در مراکز کلینیکی، به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهبردها در شکل‌گیری رابطه درمانی به کار می‌رود (۱). از منظر کارل راجرز، پذیرش بی‌قید و شرط نوعی واکنش صادقانه، محبت‌آمیز و عاری از قضاوت نسبت به مراجع است؛ شرایطی که در آن فرد احساس ارزشمندی کرده و از تهدید طرد یا انتقاد رهایی می‌یابد. در مقابل، فقدان این پذیرش موجب گسست میان «خویشتن» و «ارگانسیم» شده و مانع تجربه پذیرش مثبت خویشتن می‌گردد (۲).

در رویکرد مشاوره‌ای، پذیرش فرد به‌عنوان موجودی برخوردار از کرامت ذاتی، بی‌آنکه رفتار، افکار یا احساسات او مورد قضاوت قرار گیرد، سبب ایجاد امنیت روانی و امکان ابراز آزادانه عواطف می‌شود. در همین راستا، آموزه‌های اسلامی محبت و مهربانی را نه تنها عامل قوام جامعه انسانی بلکه معنا بخش زندگی می‌دانند؛ در غیاب این اصل، جامعه سرد و بی‌روح خواهد شد (۳). پذیرش بی‌قید و شرط در این نگاه، بستری امن برای رشد روانی و عاطفی فرد فراهم می‌سازد، روابط انسانی را عمیق‌تر و معنادارتر می‌کند و درنهایت به کاهش اضطراب و افزایش احساس تعلق می‌انجامد.

فرایند دستیابی به سازگاری و آرامش درونی مستلزم عبور از سه مرحله است: نخست، پذیرش خویشتن به‌صورت بی‌قید و شرط؛ دوم، پذیرش دیگران همان‌گونه که هستند با تمام قوت‌ها و ضعف‌هایشان؛ و سوم، پذیرش زندگی با همه دشواری‌ها و مواهب آن. این مراحل در قرآن کریم و روایات، به‌ویژه در ارتباط انسان با خدا، با دیگران و با خویش، مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

منابع دینی به‌ویژه بر پذیرش بی‌قید و شرط خداوند نسبت به بندگان تأکید دارند. آیه ۵۳ سوره زمر بر بخشایش گناهان دلالت دارد و در حدیث قدسی، رحمت خداوند بر خشم او مقدم شمرده شده است (۴). این آموزه‌ها نشان می‌دهد که محبت و پذیرش الهی بر قضاوت مقدم است. همچنین، پیامبر اکرم (ص) هدف بعثت خویش را تکمیل مکارم اخلاق معرفی کرده و بر ضرورت محبت و پذیرش نسبت به همه انسان‌ها تأکید فرموده‌اند (۵،۶). افزون بر این، در «رساله حقوق» امام سجاد (ع) بر لزوم رعایت احترام، مهربانی و پذیرش دیگران تصریح شده است؛ اصولی که نه تنها در روابط فردی و اجتماعی بلکه در رابطه انسان با خداوند نیز اساس رشد و تعالی معنوی به شمار می‌روند.

تعریف پذیرش بی‌قید و شرط

پذیرش بی‌قید و شرط در معنای بنیادین خود به «گوش دادن نامشروط» تعبیر می‌شود؛ بدین معنا که درمانگر باید مراجع را همان‌گونه که هست و بی‌هیچ شرط یا پیش‌داوری بپذیرد (۷). آکرمان و کورتنی (۲۰۱۸) این نگرش را نوعی عشق و پذیرش مطلق می‌دانند که فرد نسبت به خود یا دیگری، فارغ از هر شرط یا قید رفتاری، ابراز می‌دارد. در این رویکرد، انسان همواره برخوردار از ارزش ذاتی و شایسته محبت است، صرف‌نظر از آنچه انجام می‌دهد یا ترک می‌کند. در اندیشه کارل راجرز نیز این اصل با مفهوم «کانگروانس» (Congruence) تبیین می‌شود و نشانگر احترام و تعهد راستین به فرد در تمامیت وجودی اوست.

مراتب پذیرش بی‌قید و شرط در دو سطح قابل تبیین است:

۱. پذیرش بی‌قید و شرط خویشتن؛

۲. پذیرش بی‌قید و شرط دیگران.

راجرز بر این باور است که دو انگیزه غریزی، پذیرش مثبت بی‌قید و شرط را به ابزاری مؤثر در فرآیند درمان تبدیل می‌کنند: نخست، گرایش به رفتار اجتماعی سازنده و تعامل مثبت با

دیگران و دوم، نیاز به تعیین سرنوشت و مسئولیت‌پذیری در انتخاب مسیر زندگی (۸). به‌زعم بوزارت، این نگرش به فرد امکان می‌دهد تا احساس پذیرش و دوست داشتن را تجربه کرده و رشد ارزشمندی خویشتن و عزت‌نفس او تسهیل شود (۹).

عزت‌نفس در روان‌شناسی دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است. در سطح فردی، عزت‌نفس موجب خودپذیری، خودکارآمدی، رشد شخصی، اعتمادبه‌نفس و پیشرفت می‌شود؛ و در سطح اجتماعی، موجب گسترش روابط، کسب مقبولیت و ارتقای منزلت اجتماعی می‌گردد (۱۰). راجرز تأکید می‌کند که محبت بی‌قیدوشرط مادر، اساس رشد سالم شخصیت کودک است، درحالی‌که محبت مشروط فرایند شکوفایی را مختل می‌سازد. اگر کودک تنها در برابر رفتارهای خاص موردتوجه قرار گیرد، برای حفظ محبت والدین از بروز رفتارهای طبیعی اما ناپذیرفتنی پرهیز خواهد کرد (۱۱).

به باور راجرز، تجربه «توجه مثبت نامشروط» در دوران شیرخوارگی زیربنای شخصیت سالم است؛ هنگامی‌که مادر محبت خود را مستقل از رفتار کودک ابراز می‌کند، این عشق بی‌قیدوشرط به معیارهای درونی پایدار تبدیل می‌شود. در چنین بستری، کودک حتی با پذیرش ناپسند بودن برخی رفتارها، دچار احساس گناه یا حقارت نمی‌شود و عزت‌نفس خویش را حفظ می‌کند (۱۲).

اهمیت و ضرورت پذیرش بی‌قیدوشرط از نگاه اسلامی در جوامع انسانی، تفاوت در اخلاق و سلیقه موجب تنوع روابط می‌شود و بنیان این روابط بر تعامل و عاطفه استوار است. محبت سرچشمه لذت و خوشبختی انسان است، حال آن‌که نفرت به رنج و تنگنای روحی می‌انجامد. از این رو، بسیاری از فیلسوفان اخلاق سعادت را غایت زندگی دانسته‌اند که تنها در پرتو روابط محبت‌آمیز تحقق می‌یابد (۱۳).

در این میان، محبت الهی "چه از سوی انسان به خدا و چه

از جانب خدا به انسان" نقشی بنیادین در ایجاد نشاط و پویایی زندگی دارد. این عشق آسمانی زمینه‌ساز روابط سازنده میان بندگان و محرک رشد مادی و تعالی معنوی آنان است (۱۴). انسان که موجودی ذاتاً اجتماعی است، به محبت ورزیدن و محبوب بودن نیاز بنیادین دارد. تحقق این نیاز سلامت روان و نشاط روحی را به همراه دارد، درحالی‌که محرومیت از محبت، بستر اضطراب، افسردگی و احساس کمبود را فراهم می‌سازد (۱۵).

محبت الهی در متون اسلامی، صرفاً یک احساس فردی نیست، بلکه به‌عنوان صفتی از صفات فعل خداوند، مایه بیداری عظمت او در دل انسان و ترجیح رضای الهی بر خواهش‌های نفسانی معرفی شده است (۱۶). در آموزه‌های قرآنی نیز محبت الهی با کرامت ذاتی انسان و مسئولیت او نسبت به «امانت الهی» پیوند می‌خورد. آیه ۷۲ سوره احزاب این حقیقت را بیان می‌کند و مفسران شیعه و اهل سنت «امانت» را تکالیف الهی دانسته‌اند که پذیرش آن نشانه شرافت و کرامت انسان است (۱۷/۱۸/۱۹).

افزون بر این، محبت الهی نگرش آزمون‌محور نسبت به دنیا را پرورش می‌دهد. در قرآن کریم آمده است که «اموال و فرزندان فتنه‌اند»؛ بدین معنا که وسیله‌ای برای آزمون انسان‌اند، نه هدف زندگی (۱۷). مفسران نیز بر همین معنا تأکید کرده‌اند؛ از جمله مکارم شیرازی اموال و فرزندان را ابزار امتحان می‌داند، نه وسیله غرور (۲۰). همچنین حویزی، مال و فرزند را وسیله‌ای برای آزمون ادای حق خداوند برمی‌شمارد (۲۱).

نگرش قرآنی به محبت و کرامت، بر وحدت وجودی انسان‌ها استوار است. آیه ۶ سوره زمر یادآور می‌شود که همه انسان‌ها از «نفس واحده» آفریده شده‌اند. علامه طباطبایی در المیزان آن را نشانه برابری ذاتی انسان‌ها می‌داند (۱۷). طبرسی در مجمع‌البیان نیز همین معنا را تأیید کرده و آفرینش از نفس

واحد را بیانگر یگانگی در اصل وجود انسان‌ها دانسته است (۱۹). مکارم شیرازی نیز تصریح می‌کند که تفاوت‌ها در مسیر تکامل شکل می‌گیرد و اصل آفرینش همه انسان‌ها مشترک است (۲۰).

بر این اساس، پذیرش بی‌قید و شرط در آموزه‌های دینی به‌عنوان ارزشی محوری، بستر اتحاد و همبستگی اجتماعی را فراهم می‌آورد. مشاوری که به این اصل معتقد است، باید ضمن احترام به ارزش‌ها و باورهای خود، همواره در مسیر اصلاح و بازنگری آن‌ها گام بردارد (۲۲). در همین راستا، امیرالمؤمنین علی (ع) توصیه می‌فرماید: «چون طبیب مهربانی باش که دارو را درجایی که مفید است به کار می‌برد» (۲۳).

دیدگاه‌های مختلف درباره پذیرش بی‌قید و شرط پذیرش بی‌قید و شرط در روان‌شناسی به روش‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و در نظریه‌های گوناگون روان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. هر رویکرد روان‌شناسی بر اساس مبانی نظری خود، به پذیرش بی‌قید و شرط نگاه خاصی دارد.

پذیرش بی‌قید و شرط از دیدگاه منظومه محور (سامانه‌ای) در این رویکرد، درمانگر به‌عنوان عضوی مؤثر از خانواده ایفای نقش می‌کند و با همسویی با آداب و رسوم حاکم بر خانواده، در جهت تقویت پذیرش متقابل و ارتقای فهم تعاملات میان اعضا اقدام می‌نماید. هرچند قدرت تصمیم‌گیری اعضای خانواده ممکن است متفاوت باشد، تحلیل شیوه‌های همکاری آن‌ها می‌تواند شاخصی معتبر برای سنجش میزان انعطاف‌پذیری و سازگاری ساختار خانواده فراهم آورد (۲۴).

علاوه بر این، درمانگر با اعمال تغییراتی هدفمند در محیط فیزیکی خانواده، اعضا را به تجربه تعاملاتی نو و متفاوت ترغیب می‌نماید؛ به‌عنوان نمونه، ایجاد شرایط گفت‌وگوی چهره به چهره می‌تواند امکان بازتعریف تعاملات و بهبود ارتباطات بین فردی را فراهم سازد. به‌علاوه، با بهره‌گیری از فنون قالب‌دهی یا چارچوب‌دهی مجدد، درمانگر زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا اعضای

خانواده بتوانند مسائل و مشکلات خود را از منظر نوین و با نگرشی مثبت‌تر مورد ارزیابی قرار دهند (۲).

رویکرد راهبردی به پذیرش بی‌قید و شرط رویکرد راهبردی بر این اصل تأکید دارد که ارتباط، بنیان شناخت و بروز رفتار انسان‌هاست و فقدان توانایی در رفتار، امکان برقراری ارتباط مؤثر را ناممکن می‌سازد (۱۲). بر این اساس، درمانگر موظف است فضایی فراهم آورد که در آن تعاملی هماهنگ، آزاد و مؤثر شکل گیرد؛ فضایی که امکان گفت‌وگو درباره هر موضوعی را به‌طور امن و بدون مانع میسر سازد.

در این چارچوب، درمانگر از هرگونه سرزنش و برچسب‌گذاری پاتولوژیک پرهیز می‌کند و با پذیرش مشکلات موجود، نشانه‌های رفتاری خانواده را به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تقویت ارتباطات مثبت و ارتقای کارکردهای تعاملی در نظر می‌گیرد (۲).

رویکرد شناختی رفتاری به پذیرش بی‌قید و شرط

در این رویکرد، انسان موجودی اجتماعی و نیازمند عشق، توجه و تأیید دیگران دانسته می‌شود که باید از خودمداری افراطی پرهیز کرده و در تعامل با انتظارات خویش و دیگران رفتار کند (۲۵). در عین حال، انسان آزاد است تا فردیت خود را آشکار سازد و در مقام یار و همراه دیگران، عشق بورزد؛ از این‌رو، درمانگر مراجع را به تجربه عینی عواطف و بازنگری در ارزش‌های بنیادینش وامی‌دارد (۲). از شیوه‌های متعددی مثل ایفای نقش، الگوسازی، شوخی و بذله‌گویی، پذیرش غیرشرطی، نصیحت بهره می‌گیرد.

رویکرد روان‌پویشی به پذیرش بی‌قید و شرط

رویکرد روان‌پویشی، علاقه اجتماعی را به‌عنوان منبعی قدرتمند برای انگیزش، مسئولیت‌پذیری و ارتقای سلامت روانی می‌شناسد (۲). این علاقه، نمود احساس یگانگی، همدلی و رشد فرد در چارچوب منطق و الزامات زندگی اجتماعی است

(۲۶)

رویکرد گشتالت به پذیرش بی‌قید و شرط

در این رویکرد، انسان به‌عنوان موجودی کل‌نگر مورد توجه قرار می‌گیرد که در پی تعامل با محیط و دستیابی به تعادل روانی و غایت این فرآیند، تحقق خویشتن یا خودتحقیقی است (۲۵). همچنین، شناخت خود و دیگران از طریق همدلی و توانایی قرار دادن خود به‌جای دیگری تقویت می‌گردد (۲۴). رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای به پذیرش بی‌قید و شرط این رویکرد، انسان را موجودی مرکب از احساسات، ارزش‌های اخلاقی و کنترل آگاهانه می‌داند که رفتار او را در مواجهه با محیط به واکنش‌های مناسب هدایت می‌کند. رفتارهای نامطلوب مراجع توسط درمانگر مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا فرد به درک دقیق از پیامدهای اعمال خود دست یابد (۲۵). علاوه بر این، در فرآیند تعامل مشاوره‌ای، تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر اهمیت صداقت درمانگر در ابراز احساسات تأکید می‌کند، زیرا این صداقت زمینه‌ساز حفظ ارتباطی مؤثر و سالم میان درمانگر و مراجع است (۲۵).

رویکرد واقعیت‌درمانی به پذیرش بی‌قید و شرط

در واقعیت‌درمانی، هویت به‌عنوان یک نیاز اجتماعی بنیادین شناخته می‌شود که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد و افرادی که دارای هویت موفق هستند، کمتر از احساس تنهایی رنج می‌برند و با مشکلات خود به‌طور سازنده مواجه می‌شوند (۲). در این رویکرد، درمانگر نقش معلم و الگو را ایفا می‌کند و مراجع را با شیوه‌ای گرم و مورد اعتماد می‌پذیرد، بدین ترتیب فضایی امن و مناسب برای فرآیند مشاوره فراهم می‌آورد.

رویکرد روایتی به پذیرش بی‌قید و شرط

این رویکرد تأکید دارد که معنا و دانش از طریق تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و تمامی واقعیت‌ها محصول این تعاملات هستند. مشاورانی که رویکرد روایتی را اتخاذ می‌کنند، مراجعان را به فعالیت و مشارکت تشویق و از مهارت‌های

بنیادین روابط بین‌فردی مانند گوش دادن فعال، توجه، بازگو کردن، توضیح دادن، خلاصه‌سازی و بازبینی استفاده می‌نمایند تا اطمینان حاصل شود که داستان یا مشکل مراجع به‌درستی درک شده است (۲).

کانون اصلی روایت‌درمانی، بازنویسی زندگی است؛ با ارائه تعریفی نو از زندگی و روابط بین‌فردی، امکان ایجاد تغییر فراهم می‌شود. مراجعان با بازسازی روایت زندگی خود، نگرش متفاوتی نسبت به جهان پیدا می‌کنند و آزاد می‌شوند تا تفکر و رفتار خود را به شیوه‌ای تازه و انعطاف‌پذیر شکل دهند (۲).

رویکرد راه‌حل‌محور به پذیرش بی‌قید و شرط

این رویکرد بر ارتقای سلامت و توانمندسازی مراجعان متمرکز است. تأکید اصلی آن بر فرآیند تغییر است و حتی تغییرات کوچک و به‌ظاهر جزئی نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. در این چارچوب، درمانگر بر شناسایی و تقویت نقاط قوت مراجعان تأکید دارد و تلاش می‌کند باور توانمندی در شناسایی و حل مسائل شخصی را در آنان تقویت نماید (۲).

پذیرش بی‌قید و شرط از نگاه اسلامی

اسلام به روابط اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حیات انسانی توجه ویژه‌ای دارد و بر ارزش‌هایی نظیر محبت، همدلی، صداقت، رازداری و حفظ کرامت انسانی تأکید می‌کند (۲۷). آموزه‌های قرآنی و روایی بر نگرشی مثبت و بی‌قید و شرط نسبت به انسان‌ها، شامل محبت و پذیرش همه‌جانبه افراد، تأکید دارد (۲۸). در عرفان اسلامی، محبت نه‌تنها اساس هستی بلکه جوهره ایمان محسوب می‌شود و دین چیزی جز تجلی این محبت نیست (۲۹).

ایمان به خدا در این رویکرد، نمود محبت و کشش درونی میان محب و محبوب است و انسان با پذیرش آگاهانه دین الهی، به‌سوی محبوب مطلق گام برمی‌دارد (۳۰). محبت به خداوند در دل مؤمنان بر هر چیز دیگری تقدم دارد و این محبت، افزون بر تقویت ایمان، لذت و رضایت وجودی انسان را

نیز افزایش می دهد (سوره بقره، آیه ۱۶۵).

اهداف تربیتی مفهوم حب (پذیرش بی قید و شرط)

در مسیر رشد انسان به سوی کمال، مفاهیم بنیادین نظیر معناداری زندگی، خویشتن دوستی، نوع دوستی، حب الهی و بهره برداری صحیح از دنیا اهمیت دارند. در نگرش توحیدی، معناداری زندگی از طریق معیت با خدا و عبادت عاشقانه حاصل می شود (۲۴). خویشتن دوستی، پیش نیاز معرفت نفس و زمینه ساز شناخت خداوند است (۳۱). نوع دوستی با محبت به دیگران و اهل بیت (ع) معنا می یابد و به رشد اخلاقی انسان کمک می کند (۳۲). بهره برداری صحیح از دنیا آن را به عنوان مزرعه آخرت می بیند و موجب آرامش، صبر و رضایتمندی روحی می شود. در تعلیم و تربیت، مربی با محبت، صبر و صداقت، مسیر رشد شخصیت متربیان را هدایت می کند (۲۳).

روش پژوهش

در این پژوهش، با بهره گیری از روش کیفی، آموزه های قرآنی و روایی پیرامون مبانی «پذیرش بی قید و شرط» بررسی شده است. هدف، شناسایی و تبیین ابعاد نظری و عملی این مفهوم در بافت دینی-اخلاقی از طریق تحلیل نظام مند متون دینی است. جامعه مورد مطالعه شامل بخش تفسیری، برگزیده ای از تفاسیر معتبر شیعی و بخش روایی، گزینشی از متون روایی معتبر است.

مبانی پذیرش بی قید و شرط

در بررسی آیات و روایات مبانی پذیرش بی قید و شرط نگرشی رفتاری و عاطفی می باشند.

مبانی نگرشی پذیرش بی قید و شرط در مبانی اسلام

نگرش کرامت ذاتی و اکتسابی

در نظام انسان شناسی قرآن، انسان موجودی ممتاز و دارای کرامت است که خداوند او را از روح خویش آفریده و سایر مخلوقات را برای بهره مندی او مسخر ساخته است (سوره اسراء، آیه ۷۰). این کرامت ذاتی در همه انسان ها وجود دارد و باتقوا

به کرامت اکتسابی تبدیل می شود (سوره حجرات، آیه ۱۳). همچنین، آیه ۴ سوره تین بر ساختار متعادل و ظرفیت های عالی انسان تأکید دارد که او را در مسیر انتخاب، رشد و تعالی اخلاقی توانمند می سازد.

در روان شناسی انسان گرایانه، مفهومی مشابه کرامت ذاتی انسان مطرح است؛ نظریه پذیرش مثبت بی قید و شرط ارزش ذاتی انسان را تصدیق می کند و زمینه ساز رشد و خود شکوفایی اوست. در فرآیند درمان، پذیرش کرامت انسان توسط درمانگر، رابطه درمانی مؤثر را ممکن می سازد و تحول فردی را آغاز می کند. این توجه به کرامت انسان، ریشه در محبت خداوند به مخلوق خویش دارد (۲۹).

نگرش عاملیت

از منظر قرآن کریم، انسان موجودی مختار، آگاه و توانمند در ایجاد تغییر درونی و بیرونی است. آیه ۱۱ سوره رعد تأکید می کند: «همانا خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان خود، آنچه را در درونشان است تغییر دهند» که نشان دهنده نقش اراده و اختیار انسان در تحولات بنیادین فردی و اجتماعی است.

در فرآیند درمان مبتنی بر این رویکرد، درمانگر با فراهم آوردن فضایی سرشار از پذیرش، همدلی و احترام، مراجع را یاری می کند تا با درک و پذیرش خود، مسیر تغییر را از درون آغاز کند. در این مسیر، مراجع با فعال سازی عاملیت درونی خود درمی یابد که عامل اصلی تحول زندگی خویش است.

مبانی رفتاری پذیرش بی قید و شرط در مبانی اسلام

قاعده مندی وجود انسان

فرآیند شکل گیری خلق و خو و شخصیت انسان از مراحل نخستین حیات آغاز می شود. منابع دینی بر نقش تعیین کننده «أصلا بپدران» و «أرحام ماداران» تأکید دارند که نشان دهنده تأثیر همزمان عوامل وراثتی و محیطی اولیه در پایه ریزی شخصیت فرد است. مرحله پس از انعقاد نطفه و دوران بارداری،

کریم بر ضرورت رعایت عدالت در همه شئون زندگی تأکید کرده است: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (سوره نساء، آیه ۵۸).

عدالت در آموزه‌های اسلامی فراتر از نظام قضایی است و در رفتارهای روزمره انسان نیز نمود می‌یابد؛ از جمله در نگاه، گفتار، محبت و انتقاد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر رعایت مساوات در نگاه، سخن گفتن و نشستن میان مردم تأکید کرده‌اند تا زمینه سوءاستفاده یا بدبینی فراهم نشود (۳۶). همچنین، قرآن و روایات بر رعایت عدالت حتی در سخن و امور جزئی تأکید دارند (سوره انعام، آیه ۱۵۲؛ ۳۶).

رابطه عدالت با پذیرش بی‌قیدوشرط در آموزه‌های اسلامی آشکار است. پذیرش بی‌قیدوشرط، به معنای احترام کامل به شأن و جایگاه هر انسان بدون پیش‌داوری یا تبعیض، عملیاتی کردن عدالت در سطح فردی و بین‌فردی است. زمانی که فرد دیگران را بدون قید و شرط می‌پذیرد، نه تنها زمینه تعامل سازنده و انصاف را فراهم می‌کند، بلکه حق هر انسان را در جایگاه شایسته‌اش محترم می‌شمارد و هرگونه تبعیض یا بی‌عدالتی را نفی می‌کند.

بدین ترتیب، عدالت و پذیرش بی‌قیدوشرط مکمل یکدیگرند؛ رعایت عدالت در رفتار و گفتار، بستر لازم برای پذیرش بی‌قیدوشرط را فراهم می‌آورد و پذیرش بی‌قیدوشرط، عدالت را در زندگی روزمره به فعلیت می‌رساند.

مبانی ارتباطی پذیرش بی‌قیدوشرط در مبانی اسلام

احترام مداری

احترام در منظومه فکری و اخلاقی اسلام مفهومی فراگیر و چندبُعدی است که گستره‌ای از رفتارهای کلامی و عملی را در برمی‌گیرد. هرگونه رفتاری که موجبات بزرگداشت، توجه و حفظ کرامت دیگری را فراهم سازد، در زمره مصادیق احترام قرار می‌گیرد. این اصل اخلاقی، در تعاملات اجتماعی نقشی بنیادین دارد و همه انسان‌ها، فارغ از جایگاه اجتماعی،

به‌ویژه، دوره‌ای حساس به شمار می‌آید؛ زیرا مراقبت‌های روانی، جسمانی و اخلاقی مادر می‌تواند در جهت‌دهی مثبت یا منفی به شخصیت کودک اثرگذار باشد (۳۳). یافته‌های روان‌شناسی رشد نیز تأیید می‌کنند که دوره پیش از تولد یکی از مراحل حساس شکل‌گیری الگوهای اولیه رفتاری و شخصیتی است (۳۴).

باین‌حال، قرآن کریم تأکید می‌کند که زمینه‌های وراثتی و محیطی، هرچند مؤثر، تعیین‌کننده نهایی سعادت انسان نیستند. آیه ۹ سوره شمس بیان می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» که رستگاری واقعی در گرو تزکیه نفس، اراده و اصلاح فردی است (۱۷/۲۰). همچنین، آیه ۳۶ سوره اسراء بر مسئولیت فردی در قبال ادراکات، تصمیمات و اعمال خویش تأکید دارد (۱۷). این دیدگاه، زنجیره منطقی از تأثیرات پیش از تولد تا رشد شخصیتی و سپس انتخاب آگاهانه را کامل می‌سازد؛ انسان با بهره‌گیری از استعدادها و زمینه‌های اولیه خود، مسئول اعمال و تصمیمات خویش است و سعادت نهایی بر اساس اراده و عملکرد آگاهانه او تحقق می‌یابد.

به‌این‌ترتیب، نگاه علمی و دینی نشان می‌دهد که شکل‌گیری شخصیت انسانی فرآیندی چندمرحله‌ای است که از پیش از تولد آغاز می‌شود، با تربیت و محیط تکمیل می‌گردد و با انتخاب آزاد و مسئولیت‌پذیری فرد به کمال می‌رسد. این چارچوب، تأثیر عوامل وراثتی و محیطی را نفی نمی‌کند، بلکه جایگاه واقعی رشد و فلاح انسانی را در تدبیر و اراده آگاهانه تثبیت می‌کند.

عدالت‌مندی در رفتار

عدالت یکی از اصول بنیادین در نظام ارزشی اسلام است و به معنای راستی، درستی، میانه‌روی، مساوات و قرار دادن هر چیز در جایگاه شایسته آن تعریف می‌شود (۳۵). این اصل در روابط فردی و جمعی نقش محوری دارد و در برابر ظلم، به‌عنوان ناهنجاری اخلاقی و اجتماعی، قرار می‌گیرد. قرآن

اقتصادی یا فرهنگی، شایسته حرمت و تکریم هستند. در رویکرد روان‌شناسی انسان‌گرایانه، به‌ویژه در نظریه پذیرش مثبت بی‌قید و شرط (Unconditional Positive Regard)، تأکید می‌شود که احترام به مراجع مستلزم پذیرش کامل و بدون قید و شرط، بدون داوری و بدون توجه به موقعیت‌های ظاهری اوست. این نوع از احترام، با جوهره آموزه‌های دینی اسلام هم‌راستا و بیانگر توجه عمیق به ارزش و حریم انسانی فرد است.

متون اسلامی نیز تکریم و رفتار محترمانه نسبت به دیگران را به‌عنوان یکی از نشانه‌های ایمان و بندگی راستین معرفی کرده‌اند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند:

«عَظَّمُوا أَصْحَابَكُمْ وَ وَقَرُّوهُمْ وَ لَا يَتَهَجَّمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَا تَضَارُّوا وَ لَا تَحَاسَدُوا وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبُخْلُ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ الصَّالِحِينَ» یعنی: «یاران خود را بزرگ شمارید و احترامشان کنید و برخی از شما بر برخی دیگر هجوم نبرید، به یکدیگر زیان نرسانید، بر هم حسد نورزید و از بخل بهره‌زید تا از بندگان مخلص و شایسته خداوند باشید» (۳۷).

همچنین، روایات متعددی رفتارهای محترمانه و مصادیق عملی تکریم را بیان کرده‌اند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «مِنْ مَكْرَمَةِ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ أَنْ يَقْبَلَ تَحَفَّتَهُ وَ أَنْ يَتَّحِفَهُ بِمَا عِنْدَهُ وَ لَا يَتَكَلَّفَ لَهُ شَيْئاً» یعنی: «از بزرگداشت برادر دینی، آن است که هدیه‌اش را بپذیرد و از آنچه دارد به او عطا کند و برای پذیرایی‌اش به خود سختی روا ندارد» (۳۸).

از منظر امام صادق علیه‌السلام، احترام به دیگران به‌منزله احترام به خداوند متعال است (۳۸). در همین راستا، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله توصیه‌های لقمان حکیم را نیز ناظر بر رعایت احترام متقابل و حسن خلق در ارتباطات اجتماعی بیان فرموده‌اند (۳۹).

دوستی بر مبنای حق

اسلام با هدف ایجاد جامعه‌ای همدل، بر برادری انسانی و

روابط محبت‌آمیز میان افراد تأکید دارد. دوستی‌هایی که بر پایه رضایت الهی شکل می‌گیرند، فضائل اخلاقی را تقویت و زمینه سعادت ابدی را فراهم می‌کنند و هم‌نشینی با نیکان در رشد شخصیت اخلاقی مؤثر است.

در نظریه پذیرش مثبت بی‌قید و شرط (Unconditional Positive Regard)، روابط صمیمانه و حمایت‌گرانه، اعتماد به نفس و توانمندی در تصمیم‌گیری مراجع را افزایش داده و مسیر خودشکوفایی و ارتقای سلامت روان را فراهم می‌کند (۴۰). این اصول با آموزه‌های اسلامی همخوانی دارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «من اکرم اخاه فانما يكرم الله»؛ یعنی «کسی که برادر خود را گرامی بدارد، در حقیقت خداوند را گرامی داشته است» (۴۱). امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در خطبه ۱۴۰ نهج‌البلاغه فرموده‌اند: «شایسته است افراد پاک‌دامن با گناهکاران مهربان باشند و سپاسگزاری از خداوند بر جان آنان غالب باشد». نمونه‌های دیگر در احادیث امام رضا علیه‌السلام (۴۲) و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله (۴۳) دیده می‌شوند.

رعایت نقش همراه با حسن ظاهر و عمل به وظایف

از منظر آموزه‌های اسلامی، عمل به وظیفه و ایفای نقش در جایگاه هر فرد، از والاترین ویژگی‌های انسان و شاخصی از کمال انسانی است که الگویی برای رسیدن به مراتب عالی همچون انبیاء و رسولان محسوب می‌شود. رعایت نقش همراه با حسن ظاهر و عمل به وظایف، نه تنها نیازهای فرد و خانواده را تأمین می‌کند، بلکه به‌عنوان خدمتی اجتماعی، مصداق گره‌گشایی و زدودن غم از دیگران است.

در حوزه مشاوره، هنگامی که مشاور با رعایت نقش حرفه‌ای و اخلاقی، همراه با ظاهر آراسته و تعامل محترمانه با مراجع رفتار می‌کند، احساس امنیت روانی مراجع تقویت شده و شرایط برای بازگویی صادقانه مشکلات فراهم می‌گردد. امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «مُشَاوَرَةُ الْحَازِمِ الْمُشْفِقِ ظَفَرٌ»؛

مشورت با فرد دلسوز و خردمند به پیروزی می‌انجامد (۳۱).
احترام و محبت در روابط انسانی نیز از اصول مهم اسلام است و نمونه‌هایی از آن در احادیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام صادق علیه‌السلام (۳۷)، حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها (۳۸) و امیرالمؤمنین (۴۴) مشاهده می‌شود که اهمیت کرامت، مهربانی و تعامل صحیح را نشان می‌دهد.

انطباق نظریه راجرز در مشاوره

مشاوره ابزاری مؤثر برای افزایش خودآگاهی، بهبود روابط انسانی و ارتقای کیفیت زندگی افراد است (۲) و در ابعاد فردی و اجتماعی کاربرد دارد. در اسلام نیز، مشورت جایگاهی والا دارد و به‌عنوان راهی برای هدایت و پرهیز از خطا توصیه شده است؛ حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «رفتن برای مشورت عین هدایت است» (۴۴).

قرآن کریم انسان را موجودی شریف، نیازمند و مسئول معرفی می‌کند که با پرورش استعدادهای خود باید به کمال برسد (سوره بقره، آیه ۴۳)، دیدگاهی که با هدف مشاوره همسو است.

در روان‌شناسی، دیدگاه انسان‌گرایانه کارل راجرز بیشترین نزدیکی را به نگرش اسلامی دارد؛ راجرز انسان را ذاتاً نیکو، مستقل و دارای گرایش به خودشکوفایی می‌داند (۴۶) و بر ضرورت «پذیرش مثبت» شامل محبت، احترام و همدلی تأکید می‌کند (۷).

از نگاه اسلام، احترام به حقوق دیگران و توجه به کرامت انسانی، همراه با مسئولیت‌پذیری، بنیان تعاملات سالم اجتماعی است و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی می‌تواند غنای بیشتری به علوم انسانی و مشاوره ببخشد.

نتیجه و جمع‌بندی

انسان در هر دو افق اندیشه - چه در روان‌شناسی انسان‌گرا و چه در آموزه‌های وحیانی اسلام - موجودی است برخوردار از کرامت و شایستگی ذاتی. پذیرش بی‌قیدوشرط در اندیشه کارل

راجرز، به معنای گشودن آغوش وجودی مشاور در برابر مراجع است؛ آغوشی آکنده از همدلی، صداقت و احترام که به فرد امکان می‌دهد خود را بی‌پرده بنگرد، از قید ترس و قضاوت رها شود و استعدادهای نهفته خویش را به مرحله فعلیت برساند. این اصل، نه تنها درمانی، بلکه فلسفه‌ای برای زیست انسانی است: پذیرش دیگری در تمامیت وجودی او، حتی پیش از اصلاح و تغییر.

اسلام نیز در پرتو قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام، همان حقیقت را با بیانی ژرف‌تر بازتاب می‌دهد. کرامت انسان در نگاه اسلامی، ودیعه‌ای الهی است که از آغاز آفرینش در نهاد آدمی نهاده شده است. آیات الهی و روایات اهل‌بیت، بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که ارزش انسان فراتر از خطا و لغزش‌های اوست و همین شأن ذاتی است که ملاک پذیرش و محبت قرار می‌گیرد. در عین حال، این پذیرش به معنای تسلیم منفعلانه در برابر خطا نیست، بلکه نگاهی اصلاح‌گر و هدایت‌محور است؛ نگاهی که میان ذات انسان و رفتار او تمایز می‌نهد و بدین‌سان، اصل پذیرش با اصل مسئولیت‌پذیری درهم می‌آمیزد.

انطباق این دو دیدگاه، افقی نو برای فهم جایگاه انسان می‌گشاید: اگر راجرز بر «پذیرش بی‌قیدوشرط» به‌عنوان شرط رشد روانی و خودشکوفایی تأکید می‌کند، اسلام نیز همین اصل را در گستره‌ای وسیع‌تر - از فرد تا جامعه، از رابطه با خویش تا ارتباط با خالق - به‌مثابه بنیان هدایت و رستگاری معرفی می‌نماید. بدین‌سان، هر دو نگرش بر یک حقیقت مشترک گواهی می‌دهند: انسان زمانی به سلامت روان و کمال معنوی دست می‌یابد که در فضایی آکنده از محبت، عدالت و پذیرش، امکان بودن خویشتن و شدن متعالی خویش را بیابد. در نتیجه، پذیرش بی‌قیدوشرط نه تنها پلی میان روان‌شناسی و دین است، بلکه حلقه وصلی میان درمان روان و هدایت جان، میان خودشناسی و خداشناسی و میان فرد و جامعه می‌گردد. این همان نقطه‌ای است که در آن، علم و وحی، عقل و ایمان

Reference

1. The Holy Quran.
2. Comprehensive Hadith Software.
3. Comprehensive Tafsir Software.
4. Mousavi SZ. Unconditional Positive Regard: A Principle in Carl Rogers' Client-Centered Approach. *Personality Encyclopedia*; 2020.
5. Gladding S. *Counseling: A Comprehensive Profession*. Ganji M, translator. Tehran: Savalan Publishing; 2020.
6. Al-Qarai KS. A Comparative Study of Islam and Rogers' Views on Human Nature and Perfection. 2008.
7. Bukhari M ibn I. *Sahih al-Bukhari*. Cairo: Supreme Council for Islamic Affairs, Ministry of Awqaf, Egypt; 1990.
8. Tabarsi H ibn F. *Makarem al-Akhlaq*. Qom: Al-Sharif Al-Radhi; 1991.
9. Hakim Nishaburi M ibn A. *Al-Mustadrak ala al-Sahihayn*. Damardash MH, editor. Beirut: Al-Maktabah Al-Asriyyah; 2000.
10. Rogers C. *Client-Centered Therapy*. Ahmadi Ghaleh SA, translator. Tehran: Fararavan Publishing; 2003.
11. Bozarth JD. Unconditional positive outlook. In: Cooper M, O'Hara M, Schmid PF, Bohart AC, editors. *Handbook of Person-Centered Psychotherapy and Counseling*. 2nd ed. London: Palgrave Macmillan; 2013. p. 180-192.
12. Ackerman MA. What is Unconditional Positive Regard in Psychology? In: *Unconditional Positive Regard in Psychology: Definition, Examples and Techniques*. 2018.
13. Badri Gorgori R, Ebrahimi O, Mohammadi D. Study of the Dimensions and Effects of Human Dignity from the Perspective of Imam Reza (AS) and Psychological Schools. 2016.
14. Schultz D, Schultz S. *A History of Modern Psychology*. Seif AA, et al. translators. 3rd ed. Tehran: Roshd Publishing; 1996. Vol. 2.
15. Prochaska J, Norcross JC. *Theories of Psychotherapy*. Seyed Mohammadi Y, translator. Tehran: Ravan Publishing; 2020.
16. Dailami H ibn M. *Irshad al-Qulub ila al-Sawab*. Qom: Al-Sharif Al-Radhi; 1991.
17. Davoudi MR. The Relationship between God's Love and Human Vitality. *Pasdar-e Islam Journal*. 2003; (266).

و روان‌شناسی و الهیات، در یک حقیقت یگانه به هم می‌رسند:
انسان آنگاه به نهایت خویش می‌رسد که پذیرفته شود و چون
پذیرفته شد، شکوفا گردد.

18. Maslow A. *Motivation and Personality*. Rezvani A, translator. Mashhad: Aṣṭan Quds Razavi; 1993. p.254.
19. Turaihi F ibn M. *Majma' al-Bahrain*. Tehran: Morteza Publishing; 1983.
20. Tabataba'i Muhammad Husayn. *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office; 1417 AH.
21. Ibn Kathir Ismail bin Omar. *Tafsir al-Qur'an al-'Azim*. Beirut: Dar Al-Fikr; 1401 AH.
22. Tabarsi Fazl bin Hasan. *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Maktabat al-Murtazawiyah; 1379 AH.
23. Makarem Shirazi Naser, et al. *Tafsir-e Namuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah; 1374 SH.
24. Hawwazi Abd Ali bin Juma. *Nur al-Thaqalayn*. Qom: Ismailiyan; 1412 AH.
25. Madani Y. *Unconditional Positive Regard in Counseling – What Does It Mean?* Educational Psychology Blog; 2017.
26. Azizi A. *Misbah al-Shari'a wa Miftah al-Haqiqah*. Salah Publishing; 2007.
27. Sharf R. *Theories of Psychotherapy and Counseling*. Firoozbakht M, translator. Tehran: Rasa Publishing; 2020.
28. Shafi Abadi A, Naseri G. *Theories of Counseling and Psychotherapy*. Tehran: Center for Academic Publishing; 2013.
29. Corey G. *Case Studies in Counseling and Psychotherapy*. Shafi Abadi A, Hosseini B, translators. Tehran: Jangal Publishing; 2017.
30. Azerbaijani M. *The Ideal Perfect Human from the Perspective of Islam and Psychology*. *Hawza va Daneshgah Journal*. 1996; (9).
31. Hosseini SB, Raftari G, Shahreki H. *The Role of Love in Religious Education from the Perspective of the Quran and Sunnah*. 2020.
32. Hamidanpour A, Tabatabai Amini TS. *Educational Effects of Divine Love Based on Quranic and Narrative Teachings*. 2019.
33. Javadi Amoli A. *Thematic Interpretation of the Holy Quran: Innate Nature in the Quran*. 5th ed. Qom: Asra Publishing Center; 2008.
34. Tamimi Amadi A ibn M. *Ghurur al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Rajai SM, translator. Qom: Dar al-Kitab al-Islami; 1989.
35. Shirvani Shiri A, Shamshiri B, Najafi M, Nabavizadeh R. *A Reflection on the Meaning of Love in the Quran and Its Educational Implications*. 2013.
36. Salari Far MR. *Ashna'i ba Ravan-shenasi*. 1st ed. Qom: Markaz Nashr Hajar; 1389 SH. p. 39.
37. *Prenatal Influences on Temperament Development, 2018; Sensitive Periods – PMC, 2014.*
38. Motahhari M. *Adl-e Elahi*. In: *Majmu'eh-ye Asar*, vol. 1. Tehran: Sadra; 1377 SH. p. 72.
39. Hurr Amili M ibn H. *Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a*. Tehran: Ketabchi; 2007.
40. Kulayni M ibn Y. *Usul al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah; 1987.
41. Majlisi MB ibn MT. *Bihar al-Anwar*. Mahmudi MB, translator. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi; 1989.
42. Nishaburi I ibn M. *Stories of the Prophets (Qisas al-Anbiya)*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company; 2005.
43. Rogers, 1959; *Simply Psychology*, n.d; *Verywell Mind*, n.d.
44. Muttaqi Ali bin Husam al-Din. *Kanz al-'Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Af'al*. Edited by Dunayi M. Beirut, Lebanon: Dar al-Kutub al-'Ilmiyah; 1419 AH.
45. Ibn Babawayh M ibn A. *Uyoon Akhbar Al-Ridha*. Lajvardi M, editor. Tehran: Jahan; 2022.
46. Ibn Babawayh M ibn A. *Al-Tawhid*. Jafari Y, translator. Tehran: Nasim Kowsar; 2011.
47. Mousavi AH M ibn H (Sayyed Razi). *Nahj al-Balagha*. Davani A, editor. Tehran: Nahj al-Balagha Foundation; 2008.
48. Al-Muttaqi A ibn H. *Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Af'al*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah; 1998.
49. Shamshiri B. *Psychological and Islamic Perspectives on Positivity in Islam*. 2020.

“Foundations of Unconditional Acceptance in Counseling and Psychotherapy from the Islamic Perspective”

hajar bakhtari ebrahim sarace^{1*}, Rezvan Sadat Eslami behrozi²

Abstract

Background and Objective: Unconditional acceptance is a fundamental concept in human relationships, especially in fields such as counseling and psychotherapy. It refers to accepting individuals without judgment or conditions. Given the importance of this concept in strengthening social cohesion and addressing human needs, this study aims to identify and analyze the indicators and criteria of unconditional acceptance based on Quranic and narrative (hadith) teachings.

Methods: The present study employs a qualitative approach. Data have been collected through the study and analysis of religious texts, including verses of the Holy Qur'an and authentic narrations. The obtained content has subsequently been carefully examined and interpreted in order to extract the foundations and concepts related to the subject of the research.

Findings: The results of the thematic analysis indicate that the components of unconditional acceptance can be categorized into three main groups: attitudinal (e.g. pure intention and belief in human dignity), behavioral (e.g. honesty, fairness, and avoidance of judgment), and communicative (e.g. active listening and mutual respect).

Conclusion: In Islamic teachings, unconditional acceptance is not only a moral principle but also a means to achieve sustainable development, strengthen social capital, and foster healthy human relationships. This study provides an analytical framework to better understand and utilize this concept in social and counseling contexts.

Keywords: Prophetic Traditions, Quranic Verses, Unconditional Acceptance.

1.* Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Refah, Tehran, Iran

2. Master's Degree, Department of Family Counseling, Faculty of Refah, Tehran, Iran